

مقاله حاضر در تاریخ ۱۸ شهریور ۱۴۰۲ پذیرفته شده است و در دوره ۲۴ شماره ۶۱ (بهار ۱۴۰۴) با کد DOI به شماره 10.48300/JLR.2023.337012.2022 منتشر خواهد شد.

تأثیر عدم حضور متهم در دادرسی کیفری از منظر حقوق دفاعی و نهادهای ارفاقی متأثر از عدالت ترمیمی

رضاجرندی مقدم، دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد بندر عباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران.

Jorjandi.reza@gmail.com

چکیده

در فرایند دادرسی کیفری اعم از جنبه خصوصی و عمومی جرم، متهم تنها شخصی است که نقش کلیدی را به عنوان فرد در معرض تعقیب ایفاء می‌کند. علاوه بر اینکه به جهت نقض قانون مستحق مجازات می‌باشد، رعایت حقوق دفاعی وی نیز الزامی است. به منظور کشف حقیقت و صیانت از حقوق زیان‌دیده و همچنین اثبات براءت یا بزهکاری، حضور متهم نزد مقام قضایی ضرورت دارد. یکی از اصلی‌ترین مباحث مربوط به حقوق دفاعی بر اساس ماده ۵ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ استماع اظهارات و دلایل متهم است. در صورت عدم دستیابی به او پس از ارتکاب جرم، دادرسی منصفانه با خلأهایی روبه‌رو خواهد شد و با فراری شدن یا استتکاف از بیان واقعیت، کشف حقیقت با صعوبت همراه و در مسیری همچون اطاله دادرسی به عنوان یکی از چالش‌های احصاء شده سند تحول قضایی، تضییع حق بزه‌دیده و تباه شدن حقوق خود متهم و محرومیت وی از اعمال نهادهای ارفاقی قانونی و جلوه‌های عدالت ترمیمی پیش خواهد رفت. از مهمترین دلایل عدم دسترسی به متهم را ترس یا ارباب‌انزوجه محاکمه، عدم آگاهی از حقوق دفاعی و تردید به بی‌طرفی قضات، بازداشت‌های اضافی و رفتار خودسرانه مأمورین در بدو دستگیری و دوران تحت نظرمی توان برشمرد. این مقاله با روش توصیفی تحلیلی و مطالعه منابع حقوقی مرتبط، مجالات تخصصی و قوانین کیفری ایران باهدف بررسی این خلأ دادرسی تدوین شده و عواملی که موجب عدم حضور متهم در فرایند تحقیق و دادرسی میگردد، ضمن ارائه راهکارهای اجرایی مورد تحقیق قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: متهم، حقوق دفاعی، عدالت ترمیمی، دادرسی کیفری، بزه‌دیده

مقدمه

در قانون آئین دادرسی کیفری ایران حقوق دفاعی متهم در فرایند تحقیقات و دادرسی مورد توجه قرار گرفته و رعایت این حقوق از سوی دست اندرکاران امر تحقیق و دادرسی تکلیف و برای متهم حقی شرعی و قانونی است. فرد بزهدکار همانگونه که مستحق تنبیه و اعمال مجازات قانونی است، این حق را دارد که در مسیر تعقیب و محاکمه بتواند آزادانه و بدون اجبار جهت دفاع و اثبات بی گناهی در جرم ارتكابی از ظرفیت ها و ابزارهای قانونی بهره ببرد. چون اصل بر برائت است، متهم باید بدون وا همه و ترس از محاکمه و مجازات در نزد پلیس و قاضی حضور یافته و بدون اعمال فشار و رفتارهای غیر قانونی از خود دفاع نماید.

فراری شدن متهم که در طولانی شدن دادرسی و تأخیر در کشف حقیقت موثر می باشد، می تواند ناشی از بیم از اجبار به اقرار و شکنجه و استخفاف توسط ضابطان، آزار جسمی توسط بزه دیده و برخورد های قهرآمیز فراقانونی از سوی قضات باشد. این ترسیدن و ترساندن باعث محرومیت متهم از حق قانونی می شود. در این پژوهش به روش تحلیلی و توصیفی در ۴ بخش با موضوعات ۱- بیم و ارباب متهم از تعقیب قضایی ۲- حقوق دفاعی متهم، حق است یا تکلیف؟ ۳- همکاری موثر در دادرسی و کشف حقیقت ۴- حق بهره مندی متهم از جلوه های عدالت ترمیمی و عدم محرومیت از نهادهای ارفاقی؛ با هدف و رویکرد کاربردی و علمی و پژوهشی سعی می شود دلایلی را که باعث می گردد متهم پس از ارتكاب جرم و مراحل بعدی نتواند در محل وقوع جرم بماند و با متواری شدن خود رابه پلیس و دادسرا معرفی ننماید و با این عملش سبب تضییع حقوق دفاعی خودش شود، مورد مطالعه قرار گیرد. در اینجا سوالی به ذهن خطور می کند که آیا عدم حضور متهم در محکمه تأثیری در فرآیند دادرسی دارد یا خیر؟

در پاسخ، بنظر می رسد؛ با حضور متهم هم تسریع و تسهیل در دادرسی ایجاد شده و هم موجبات برخورداری از حقوق دفاعی و نهادهای ارفاقی در پرتو عدالت ترمیمی فراهم می شود. گاهی وا همه ای که از محاکمه و مجازات و برخوردهای مأمورین و قضات و سلب آزادی به لحاظ عدم رعایت عدالت منصفانه و رفتار خودسرانه آنها برای متهم می شود از یکسو، ترساندن وی توسط اطرافیان و مأمورین بخاطر عدم آگاهی از حقوق دفاعی خویش و عدم اطلاع از نحوه بهره گیری از آنها و دیگر ظرفیت های قانونی، سنتی و عرفی از سویی دیگر متهم را وادار به فرار از تحقیق و دادرسی می نماید.

وفق اصل ۳۷ قانون اساسی و ماده ۴ قانون آئین دادرسی کیفری به صراحت اصل برائت مورد توجه قرار داشته و اصل برائت مقدم بر مجرمیت فرد است، در بین عوام و حتی ضابطین دادگستری این مسأله کمتر مورد توجه قرار داشته و با ابزارهای توبیخی و قهرآمیز به متهم نگاه می شود. با این حال که در قوانین و مقررات کیفری در سطح ملی و بین المللی شاهد اصلاحات اساسی در قوانین جزایی هستیم و دیگر آن رفتارها و اقدامات قهری قرون گذشته برای تعقیب متهم و اخذ اقرار از طریق اعمال اجبار و شکنجه رنگ باخته است. در قانون آئین دادرسی کیفری فعلی در مقایسه با قانون سابق از سوی قانونگذار توجه زیادی به حقوق دفاعی متهم صورت گرفته و امروزه این امر در اقدامات و تصمیمات مراجع قضایی به روشنی آثارش نمایان است. ضرورت اقتضاء می کند این رویه عدالت کیفری با دید مثبت به حقوق دفاعی متهم و همراه با جلوه های عدالت ترمیمی در مسیر دادرسی عادلانه همگام شود.

حسب یافته های پژوهشی در گذشته تحقیقات زیادی در زمینه تضمین حقوق و آزادیهای فردی و حفظ کرامت انسانی و حقوق دفاعی متهم و عدالت ترمیمی به رشته تحریر درآمده است اما به موضوع و عوامل اختفاء و فرار متهم در فرایند کیفری و راهکارهای مورد اقتضاء و از زاویه ای که تحقیق پیش رو به آن نظر دارد چندان توجهی نشده است. به نظرمی رسد تصویب قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی و صدور بخشنامه ها و دستورالعمل های متعدد مرتبط قضایی و تعیین هیأت های بازرسی حفظ حقوق شهروندی بیانگر اهمیت و حساسیت این مسأله است.

۱. بیم متهم از تعقیب قضایی

خوف متهم از دستگیری و تحت تعقیب کیفری قرار گرفتن از یکسو و ارباب وی از سوی شهروندان، اطرافیان و حتی ضابطان دادگستری از سوی دیگر از عواملی هستند که باعث می گردد متهم پس از ارتکاب جرم متواری و ازدید مأمورین مخفی و از حضور در دادسرا امتناع نماید. عدم آگاهی متهم از حقوق دفاعی خویش و یا ترس از معرفی خود به ضابطان بخاطر وحشت از اخذ اقرار اجباری از طریق شکنجه، از گذشته تاکنون از مواردی بوده که از موانع تسریع در دادرسی ناشی از اقدام قانون گریزانه متهمین بشمار می آید. هر چند بدون حضور متهم دادرسی متوقف نشده و اقدامات لازم از سوی مرجع قضایی بعمل می آید و دادرسی به صورت غیابی امکانپذیر است، لیکن ایجاد اطاله دادرسی و در برخی موارد که دستیابی به دلایل علیه متهم راحت نمی باشد دادرسی را برای اتخاذ تصمیم قضایی در سایه حقیقت مبهم و کشف نشده با تردید مواجه می نماید.

شکنجه برای کسب اقرار در نظام های تفتیشی، امری متداول و مقبول بوده و اقرار ناشی از شکنجه، اجبار و اکراه سندیت داشته و قابل استناد خواهد بود. مقام قضایی در این نظام ها بی طرف نبوده و بیشتر به دنبال انتساب بزه به متهم است.^۱

تحقیقات مقدماتی، حساس ترین مرحله از فرایند کیفری است، زیرا اولین مواجهه متهم با دستگاه عدالت کیفری در این مرحله انجام می شود و اساس پرونده کیفری در این مرحله شکل می گیرد. لذا توجه به اصول دادرسی عادلانه در این مرحله از اهمیت بسیاری برخوردار است. از جمله این که این مرحله باید تحت حاکمیت اصل برائت انجام شود، زیرا در این هنگام هنوز مجرمیت شخص محرز نشده است. همچنین تضمین «حق آزاد بودن متهم و امکان سلب این حق در موارد استثنایی»، «اطلاع رسانی به متهم و خانواده وی»، «اعلام حق سکوت»، «اعلام حق انتخاب وکیل» و «لزوم معقول بودن مدت بازداشت موقت» در زمره مهم ترین اصول کلی دادرسی عادلانه حاکم بر مرحله تحقیقات مقدماتی است.^۲

یکی از حقوق دفاعی مسلم متهم، حق دفاع وی است که می تواند شخصاً در تحقیقات مقدماتی دادسرا و دادرسی دادگاه حضور یافته و از خود دفاع کند یا به همراه وکیل در راستای دادرسی ترافی حضور یابد و بر اساس ماده ۳۵۹ قانون آئین دادرسی کیفری متهم حق دارد در یک دادرسی منصفانه و بی طرفانه از خود دفاع کند. اما اگر متهم بخواهد که خود را از چنگال عدالت مصون نگاه دارد و با علم بر اینکه خود یا وکیل وی توان دفاع قانونی نخواهند داشت متواری شود، در این صورت در جهت حفظ و تامین

^۱ - هادی رستمی، آئین دادرسی کیفری (تهران، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۷)، ۱۸۸.

^۲ - محمود صابر، «معیارها و تضمین های دادرسی عادلانه در مرحله تحقیقات مقدماتی»، پژوهش های حقوق تطبیقی دوره ۱۳، ۴ (۱۳۸۸): ۱۴۳.

حقوق بزه‌دیده و جامعه، قانونگذار رسیدگی غیابی را تجویز نموده است. در اینگونه موارد متهم از طریق نشر آگهی به مرجع قضایی احضار می‌شود و در صورت عدم حضور و دفاع در حق الناس به صورت غیابی محکومیت می‌یابد. به صراحت ماده ۱۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، در حق الله رسیدگی غیابی جایز نیست لیکن در حقوق الناس که افراد زیان دیده از جرم هستند بنا به تجویز صدر این ماده، اگر متهم در دسترس نبود و احضار و جلب وی مقدور نباشد، وقت رسیدگی با ذکر نوع اتهام در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار یا محلی درج می‌شود و دادگاه به صورت غیابی اقدام به رسیدگی کرده و رأی مقتضی را صادر می‌کند.

امروزه با توجه به پیشرفت فناوری و راه اندازی سیستم مدیریت پرونده قضایی (سمپ- cms)^۳ و الکترونیکی شدن فرآیندهای قضایی در قوه قضائیه، احضار متهم از طریق درج در روزنامه‌های کثیرالانتشار یا محلی بعمل نمی‌آید بلکه از طریق آگهی الکترونیکی بر اساس درج در سامانه قوه قضائیه این امر امکان پذیر شده است.

۱-۱. هراس از رفتار ناعادلانه دست اندرکاران تحقیق و دادرسی

یکی از دلایل متواری شدن متهم بیم^۴ از دستگیری برای محاکمه و در نتیجه محروم شدن از برخی حقوق دفاعی است؛ این ترس و واهمه از شکنجه برای اخذ اقرار اجباری و نقض حقوق اجتماعی متهم از سوی ضابطان دادگستری^۵ و عدم آگاهی نسبت به حقوق دفاعی خود می‌تواند باشد. همانگونه که ماده ۶۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مقرر داشته: «در بازجویی‌ها اجبار یا اکراه^۶ متهم، استفاده از کلمات موهن، طرح سوالات تلقینی یا اغفال کننده و سوالات خارج از موضوع اتهام ممنوع است و اظهارات متهم در پاسخ به چنین سوالاتی و همچنین اظهاراتی که ناشی از اجبار یا اکراه است، معتبر نیست. تاریخ، زمان و طول مدت بازجویی باید در اوراق صورت مجلس قید شود و به امضاء یا اثر انگشت متهم برسد». ممنوعیت اخذ اقرار از طریق اجبار و شکنجه نیز در ماده ۱۶۹ قانون مجازات اسلامی^۷ مقرر شده است.

به منظور رعایت حقوق متهمین از سوی ضابطان قانونگذار ریاست و نظارت بر آنهارا به عهده دادستان قرار داده است، اعمال اختیارات نظارتی از ناحیه دادستان باعث می‌گردد حقوق متهم از سوی ضابطان (عام و خاص) خدشه دار نگردد.

^۳ - نرم افزار سیستم مدیریت پرونده های قضائی، وابسته به مرکز آمار و فناوری قوه قضائیه.

^۴ - ترس، خوف، واهمه (فرهنگ عمید، جلد اول، ص ۴۰۸).

^۵ - ضابطان دادگستری مامورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی، به موجب قانون اقدام می‌کنند. (ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری).

^۶ - کسی را به زور و ستم به کاری واداشتن، کسی را خلاف میل او به کاری مجبور کردن (عمید، جلد اول: ۲۱۱).

^۷ - «اقراری که تحت اکراه، اجبار، شکنجه و یا اذیت و آزار روحی یا جسمی اخذ شود، فاقد ارزش و اعتبار است و دادگاه مکلف است از متهم تحقیق مجدد نماید».

ضابطان دادگستری در انجام وظایف خود دارای اختیاراتی هستند که می‌تواند حتی منجر به سلب آزادی شهروندان گردد و به همین دلیل ضروری است که افرادی که ضابط محسوب می‌شوند و این اختیارات را دارند به موجب قانون مشخص شوند. از این رو، ماده ۲۹ قانون ضابطان دادگستری را احصاء و آنها را بر دودسته تقسیم می‌کند، ضابطان عام و ضابطان خاص.^۸

پلیس در راستای عدالت ترمیمی علاوه بر رعایت اصول بیطرفی باید اصول میانجیگری را هم رعایت کند و متهم در نزد ضابطین فرصت لازم جهت بهره‌مندی از حقوق دفاعی و ابزارهای سازشی را داشته باشد و هیچگاه نباید با اقداماتی متهم تحت تعقیب را دچار ترس نماید، زیرا این موضوع باعث می‌شود متهم علاوه بر اینکه نتواند از حقوق دفاعی خود استفاده نماید، بهره‌گیری از جلوه‌های عدالت ترمیمی را هم از دست خواهد داد. گاهی اوقات، گزارشهای کذب و خلاف واقع، شخصیت و موقعیت اجتماعی متهم، که احساس می‌کند با حضورش در محاکمه بلحاظ روند طولانی دادرسی ممکن است تحت نظر و بازداشت قرار گیرد، مجبور است متواری گردد.

میانجی‌گری کیفی، زمانی از استحکام و قوت لازم برخوردار است که مبتنی بر اصولی مانند: اختیاری بودن، توافقی بودن، رعایت موازین حقوق بشر، محرمانه بودن، بی‌طرفی، اعتبار توافق‌ها، آگاهی از فرآیند میانجی‌گری، قانونی بودن، مشارکتی بودن، ادغام مجدد بزهدار در جامعه، امکان ارجاع به دادرسی قانونی و استقلال میانجی‌گری باشد. نکته مهم این است که پلیس در اجرای برنامه‌های میانجی‌گری تا چه میزان اصول حاکم بر عدالت ترمیمی را رعایت می‌کند. بنابراین تبیین این اصول، ارزیابی میزان رعایت آنها را توسط پلیس ممکن می‌سازد.^۹ استفاده از جلوه‌های عدالت ترمیمی در کنار عدالت کیفری و سزادهی علاوه بر متهم برای بزه دیده نیز دارای اهمیت بوده و قابل بهره‌برداری است. فقط اختصاص به فرد بزهدار ندارد.

عدالت ترمیمی واکنش علیه بزهدار را در مراحل ابتدایی رسیدگی‌های کیفری ترجیح داده و مداخله را در تمام مراحل ماقبل بزهداری و مشرف به بزهداری و شروع تا خاتمه دادرسی و اجرای احکام، توصیه می‌کند. این پاسخ و واکنش همراه با حد اکثر همکاری فعالانه بزهدار و حداقل اعمال خشونت علیه وی و در خلال مشارکت اختیاری اصحاب دعوی است. این اصل دنبال این است که واکنش علیه بزهدار، واکنشی انسانی و به دور از دیدگاههای خشونت‌گرا باشد و در خلال فرایند عدالت ترمیمی با طرفین جرم، مواجهه توأم با احترام بشود.^{۱۰}

از دلایل بیم متهم از حضور در فرآیند تحقیق و دادرسی، عدم رعایت حقوق دفاعی وی از سوی ضابطین یا مرجع قضایی است که می‌تواند ناشی از عدم آگاهی از نحوه بهره‌مندی از حقوق دفاعی خود نیز باشد، از علل ترس نیز نحوه برخورد نامناسب و تردید به بی‌طرفی قضاوت و عدم توجه به اظهارات و دلایل متهم و توقیف طولانی مدت وی توان برشمرد. در ماده ۵ قانون آئین دادرسی

^۸ - علی خالقی، آئین دادرسی کیفری (تهران: انتشارات شهردانش، ۱۴۰۰)، ۶۴.

^۹ - محمد بارانی، «پلیس و میانجی‌گری کیفری (مورد مطالعه: کلانتری‌های تهران)»، (نشریه پژوهش‌های دانش انتظامی)، ۷۶ (۱۳۹۶): ۱۲۸.

^{۱۰} - روح‌الله فروزش «جایگاه عدالت ترمیمی در فقه و حقوق اسلامی و حقوق ایران، بادبیاچه حسین میرمحمدصادقی»، (تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۸۵)، ۵۶.

کیفری رعایت این حقوق متهم مدنظر قانونگذار قرار داشته و قید گردیده: «متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره مند شود».

بازپرسان، قضات تحقیق، دادیاران تحقیق و سایر مقامات قضایی مکلفند در کمال بی غرضی و به دور از هرگونه جانبداری از یکی از اصحاب دعوا تحقیقات را شروع کرده و ادامه دهنده و در مسیر کشف حقیقت بین دلایل وقراین و اوضاع و احوالی که به سود یا زیان متهم است تفاوتی قائل نشوند.^{۱۱}

۲-۱. اطاله و تزلزل دادرسی ناشی از ارباب متهم

ارباب^{۱۲} و ترساندن متهم از اخذ اقرار از طریق شکنجه در زمان تحت نظر قرار گرفتن، به دست مأمورین یا القای این موضوع به وی توسط مردم عادی و اطرافیان از دلایل هراس و متواری شدن متهم و عدم حضور و برخورداری وی از حقوق دفاعی و مساعدتهای قانونی است. فرد در مظان اتهام همیشه مجرم نیست و چه بسا اصلاً جرمی توسط متهم ارتکاب نیافته باشد و بی دلیل و صرفاً بخاطر متواری شدن و عدم حضور جهت اثبات بی گناهی و برائت خود تحت تعقیب و محکومیت غیابی قرار گیرد. بزه دیده در پی اثبات مجرمیت و متهم در پی اثبات برائت خویش یا بهره گیری از مساعدتهای قانونی بایبان حقایق علت ارتکاب جرم برمی آید، این وحشت حادث شده و عدم حضور متهم باعث تقویت دلایل اثبات مجرمیت و تضعیف دلایل اثبات برائت و ایجاد تزلزل و نامتعادل سازی در فرآیند تحقیقات و دادرسی میگردد.

هدف و جهت گیری آئین دادرسی کیفری در سال های اخیر، تحت تأثیر الگوی دادرسی عادلانه متحول شده است. این تحولات بیشتر مربوط به مرحله تحت نظر بوده که طی آن شخص مظنون به ارتکاب جرم در بازداشت ظابطان قرار می گیرد. در واقع مقررات ناظر به مرحله تحت نظر از این حیث که احتمال نقض حقوق دفاعی افراد، توسط نهادهای متولی تأمین امنیت جامعه در این مرحله بیشتر است، تحولات فراوانی در خصوص حمایت از متهم پیش بینی کرده است.^{۱۳}

با مختصر مطالعه تطبیقی در حقوق کیفری ایران و فرانسه به خوبی درمی یابیم که فرایند دادرسی کیفری در قانون آئین دادرسی کیفری هر دو کشور در زمینه ارتقاء حقوق دفاعی متهم و در راستای ارتقاء حقوق بشر دچار تحولاتی درخور توجه شده است. علاوه بر ایران، در قانون آئین دادرسی فرانسه بخصوص در جرائم مشهود که متهم نزد پلیس تحت نظر قرار می گیرد حقوق دفاعی وی به صراحت تشریح و مورد تصریح قرار گرفته است.

مطابق مفاد ماده ۶۲ قانون آئین دادرسی کیفری فرانسه: «... اشخاصی که ادله قابل قبولی بر ارتکاب جرم یا شروع به جرم توسط آنها وجود ندارد، فقط می توانند تا زمان محدود و ضروری برای استماع صحبت هایشان، نگه داشته شوند». در ماده ۶۳ این قانون نیز

^{۱۱} - محمد آشوری، آئین دادرسی کیفری، جلد دوم، (تهران، سمت، ۱۳۸۸)، ۱۷.

^{۱۲} - ترساندن، ترسانیدن، در فارسی استعمال می شود در کتابهای لغت عربی نیامده است. (عمید، جلد اول: ۱۱۵)

^{۱۳} - ساقیان، محمد مهدی. «تحولات حق متهم برداشتن وکیل در مرحله تحت نظر در حقوق فرانسه و ایران»، مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی، دوره ۱، ۱ (۱۳۹۳): ۱۰۳.

قانونگذار فرانسوی در خصوص تحت نظر قرار گرفتن متهم نزد ظابطان چنین اشعار داشته: «افسر پلیس قضایی می تواند به خاطر ضرورت تحقیقات، هر شخصی که یک یا چند دلیل قابل قبول مبنی بر ارتکاب جرم یا شروع به جرم توسط او وجود داشته باشد را تحت نظر قرار دهد. وی موظف است که از ابتدای تحت نظر، دادستان شهرستان را در جریان امر قرار دهد. شخص موصوف رانمی توان بیشتر از بیست و چهار ساعت در بازداشت قرار داد. بالین حال، حداکثر برای بیست و چهار ساعت دیگر، با اجازه کتبی دادستان شهرستان، می توان شخص را تحت نظر قرار دهد. وی موظف است که از ابتدای تحت نظر، دادستان شهرستان را در جریان قرار دهد...»^{۱۴} به نظرمی رسد پلیس در ابتداء بدون وجود ادله برای بازداشت متهم اقدام نمی کند مگر در صورت وجود ادله و ضرورت تحت نظر قرار گرفتن متهم چنین تصمیمی می گیرد. البته موارد خاص و استثنایی هم در قانون فرانسه وجود دارد که تحت نظر نگه داشتن متهم با چندین مرتبه تمدید بیست و چهار ساعت با درخواست دادستان و تصمیم کتبی و موجه قاضی آزادی ها و بازداشت یا بازپرس وجود دارد، آنها هم در برخی جنایات و جرائم سازمان یافته موضوع ماده ۷۳-۷۰۶ است که بر اساس ماده ۸۸-۷۰۶ این قانون پیش بینی شده است. در قانون **آئین دادرسی کیفری ایران** در راستای جلوگیری از بازداشت اضافی، مدت تحت نظر قرار گرفتن متهم توسط ظابطان فقط بیست و چهار ساعت است که مطابق مفاد ماده ۴۶ این قانون به هیچ عنوان قابل تمدید و ابقاء حتی توسط دادستان نیست. البته تحت نظر قرار دادن متهم پس از تفهیم اتهام و صدور قرار بازداشت در صورت ضرورت برای ادامه تحقیقات بلا مانع است.

حق به فقدان فشارهای جسمی و روحی نیز که برآمده از اصل برائت است موجب آن می گردد تا اظهارات متهم و پاسخ او به بازجویی ها در زیر سایه ترس و اضطراب نباشد. استفاده از فشارهای جسمی در دوره کنونی حداقل هیچ طرفداری در عرصه نظریه پردازی ندارد؛ تا چه در عرصه عمل پیش آید و اتفاق افتد.^{۱۶}

اصل ۱۳۸ قانون اساسی ناظر بر ممنوعیت شکنجه و اجبار متهم بر اخذ اقرار است. بنابراین اصول حقوق بشری توسط ضابطان دادگستری تحت عنوان رعایت حقوق متهم تحت تعقیب یا تحت نظر باید مدنظر قرار گیرد، عدم مراعات این حقوق از سوی ضابطان بعنوان یک چالش باعث بی اعتمادی در جامعه شده، دلهره و ترس از شکنجه هنوز هم در وجود متهمین وجود داشته و ناگزیر متهمین به اختفاء و متواری شدن روی خواهند آورد، این بی اعتمادی و ترس از معرفی خود به مأمورین، هم تضییع حقوق دفاعی متهم و هم خدشه به حقوق بزه دیده و جامعه را باعث میگردد.

گرچه امروزه برخورد با متهم در نظام های کیفری همچون قرون گذشته سبانه نیست، ولی همین برخوردهای جزئی و نامتعارف هم در تصمیم گیری متهم برای حضور نزد پلیس یا قاضی در راستای سزا دادن و انتخاب مجازات بی تأثیر نیست.

^{۱۴} -عباس تدین، مترجم، **قانون آئین دادرسی کیفری فرانسه**، اول، (تهران، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۱)، ۷۸.

^{۱۵} - « برای اجرای مواد ۳، ۷۷ و ۱۵۴ در صورتی که ضرورت های تحقیق یا رسیدگی در مورد یکی از جرائم وارد در قلمرو اجرایی ماده ۷۳-۷۰۶ آن را ایجاد نماید، تحت نظر یک شخص می تواند به صورت استثنایی موضوع دو تمدید اضافی بیست و چهار ساعت قرار گیرد. این تمدیدها با درخواست دادستان و تصمیم کتبی و موجه قاضی آزادی ها و بازداشت یا بازپرس اجازه داده می شود...».

^{۱۶} - ایمان یوسفی، **آئین دادرسی کیفری**، چاپ دوم (تهران، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۵)، ۷۰.

^{۱۷} - « هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است، متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود.»

به منظور رعایت حقوق شهروندان و پرهیز از هرگونه رفتار خودسرانه و خلاف موازین شرعی و قانونی از سوی دست اندرکاران دادرسی منجمله قضات و مرجع انتظامی بلحاظ اهمیت و حساسیت موضوع، در دوران ریاست مرحوم آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی بر قوه قضائیه بخشنامه های متعددی که تأکید بشرگرایانه و جنبه هدایت گرانه و ارشادی دارد خطاب به واحدهای قضایی سراسر کشور صادر شده است. برخی از این بخشنامه ها حامی حقوق متهم یا بزه دیده و برخی برحق دفاع تأکید دارند. مهمترین این بخشنامه ها را^{۱۸} در خصوص رعایت حقوق و آزادی های مشروع و حفظ و کرامت انسانی و تأکید بر حقوق دفاعی متهم و احترام به امور دفاعی می توان نام برد.

۳-۱. متواری شدن متهم و ضمانت اجرای عدم حضور در دادرسی

چنانچه متهم از حضور در دادرسی خودداری نماید مقام قضایی براساس اختیار حاصله از مواد ۱۷۹ و ۱۸۰ قانون آئین دادرسی کیفری اقدام به صدور دستور جلب وی می نماید.

بیشترین عوامل موثر در فرار متهمین عبارتند از: ۱- فرار متهمین بیشتر به دلیل عدم حراست درست توسط مسوول بازداشتگاه است ۲- فرار متهمین بیشتر به دلیل نداشتن یک محوطه حراست شده است ۳- فرار متهمین بیشتر به دلیل نداشتن یک بازداشتگاه مناسب است ۴- نداشتن تجهیزات کافی توسط مأمورین بدرقه در فرار متهمین موثر است ۵- عدم اهتمام مأمورین بدرقه در نگهداری متهمین ۶- جابه جایی متهم در خودروهای روباز ۷- اطلاع بستگان از جابه جایی متهم ۸- باز کردن دستبند متهم در حین بدرقه ۹- ملاقات متهم در حین بدرقه با دوستان و بستگان ۱۰- نبود یک همکار مناسب برای نگهداری متهم در دادسرا و ... ۱۱- ضعف آموزش مأمورین بدرقه ۱۲- استفاده صرف از پرسنل وظیفه برای بدرقه متهمین ۱۳- آگاهی متهمین از ضعف های موجود در تشکیلات ۱۴- ورود اشیاء ممنوعه به بازداشتگاه. کمترین عوامل موثر در فرار متهمین شامل: ۱- متهمین بیشتر با ایجاد مشاجره و درگیری ساختگی فرار می کنند ۲- متهمین بیشتر با تبانی مأمورین بدرقه فرار می کنند.^{۱۹}

چنانچه فرد بزهدکار از اجرای صحیح و عادلانه قوانین کیفری و رفتار مناسب متولیان امر تعقیب و تحقیق اطمینان داشته باشد و از اقدامات ترمیمی و نهادهای ارفاقی و حمایتی قانونی اطلاع داشته باشد احتمال متواری شدن وی ضعیف خواهد بود.

نتیجه عدم حضور متهم، جلب^{۲۰} اوست (ماده ۱۷۹ ق.آ.د.ک) و تصریح ماده ۱۷۰ به اینکه در احضار به «نتیجه عدم حضور قید می شود» اشاره به همین امر است. در اصطلاح حقوقی، جلب با توقیف یا بازداشت متفاوت است؛ جلب یعنی دستگیری، توقیف یا بازداشت یعنی نگهداری.^{۲۱}

^{۱۸} -ر.ک، محمدرضا گودرزی بروجردی «سیاست جنایی قضایی» (تهران: انتشارات سلسبیل، ۱۳۸۵)، ۱۰۷ و ۱۱۵.

^{۱۹} - وروایی، اکبر و نجاری، محمد. «عوامل و انگیزه فرار متهمین از دست مأمورین و راه های پیشگیری از آن»، نشریه پژوهش های مدیریت

انتظامی (مطالعات مدیریت انتظامی)، دوره ۳، ۴ (۱۳۸۷): ۴۸۹.

^{۲۰} - جلب؛ کشیدن، کشیدن از جایی به جای دیگر (عمید، جلد اول: ۶۹۶)

^{۲۱} - علی خالقی، آئین دادرسی کیفری، چهل و سوم (تهران: انتشارات شهردانش، ۱۴۰۰)، ۲۰۹.

جلب متهم یا محکوم علیه، در گذشته به صورت سنتی با امضاء قاضی تنظیم و در اختیار ضابطین قضائی قرار می گرفت، امروزه با توجه به الکترونیکی شدن دادرسی در قوه قضائیه علاوه بر صدور برگ جلب از طریق سمپ، مراتب جلب متهمین یا محکومین متواری در سامانه ساما^{۲۲} درج شده و از سوی دادستانی کل کشور مورد رصد قرار می گیرد و تمامی حوزه های قضائی در صورت استعلام و مواجه با افراد متواری تحت تعقیب قادر به جلب آنها خواهند بود. در واقع جلب متهم اهرم فشاری برای دستیابی به وی از سوی مقام قضایی است.

داشتن ضمانت اجرا از ویژگیهای حقوق است؛ قاعده ای را که اجرای آن از طرف دولت تضمین نشده است نباید در شمار قواعد حقوقی آورد. زیرا، اگر اشخاص در اجرای فرمانهای حقوق آزاد باشند و در برابر تجاوز خود هیچ مکافاتی نبینند، چگونه می توان ادعا کرد که نظمی در جامعه وجود دارد؟

برای استقرار عدالت و تنظیم روابط اجتماعی، ناچار بایستی مردم در برابر هم حقوقی و تکالیفی داشته باشند و هرگاه حقی مورد تجاوز یا انکار واقع شود، دولت آن را اجرا کند؛ یعنی، در پناه قدرت خویش، نظمی را که لازمه حفظ اجتماع می داند تأمین سازد. پس، داشتن ضمانت اجرا یکی از لوازم و ویژگیهای حقوق است و همین صفت، قاعده حقوقی را از سایر قواعد اجتماعی، مانند اخلاق و مذهب، جدا و ممتاز می سازد.^{۲۳}

از ضمانتهای اجرای عدالت کیفری در زمان عدم حضور متهم در دادرسی، محاکمه غیابی و صدور رأی بر محکومیت (بخصوص در حق الناس) وی است. این مسأله در حقوق کیفری ایران پیش بینی شده است.

مبنای مهم نظام هائی که محاکمه غیابی را مجاز می دانند این است که نباید اجازه داد متهم با فرار از محاکمه مانع اجرای عدالت شود. در این نظامها، متهم حق حضور در محاکمه را دارد؛ اگر او، حتی پیش از شروع محاکمه، از چنگال عدالت بگریزد، صراحتاً از حق خود اعراض کرده است. اگر قضات بدلیل فرار متهم از رسیدگی خودداری کنند، این بدین معنی است که در نهایت متهم می تواند جلوی عدالت کیفری را بگیرد. بعلاوه، چنانکه دادگاه اروپایی حقوق بشر در قضیه کولوزا علیه ایتالیا (Golozza V. Italy) حکم داد.^{۲۴}

۴-۱. سکوت و کتمان حقیقت ناشی از غیبت متهم

گاهی ممکن است با کتمان حقیقت از سوی متهم، علاوه بر مخدوش شدن حقوق بزه دیده، موجبات تضییع حقوق وی نیز فراهم گردد. این کتمان حقیقت ممکن است ناشی از عدم اطلاع متهم از حقوق دفاعی خویش و بیم و ارباب بوجود آمده بر اثر این

^{۲۲} - نرم افزاری است که از سوی مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه برای ثبت اطلاعات متهمین و محکومین متواری در سیستم مدیریت پرونده قضائی (سمپ) طراحی شده است.

^{۲۳} - ناصر کاتوزیان، فلسفه حقوق، پنجم، جلد اول، (تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۸)، ۵۲۳.

^{۲۴} - عدم امکان برگزاری محاکمه غیابی می تواند جریان رسیدگی کیفری را فلج کند. زیرا در این صورت ممکن است، مثلاً، باعث از بین رفتن ادله، مرور زمان یا اجرای نادرست عدالت شود. (بند ۳۹).

^{۲۵} - آتونو کسسه. حقوق کیفری بین المللی، ترجمه، پیران، حسین، امیرارجمند، اردشیر، موسوی، زهره (تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۷)، ۴۹۶.

ناآگاهی باشد. وفق ماده ۱۹۰ قانون آئین دادرسی کیفری حق داشتن وکیل و اطلاع از اتهام و دلایل آن برای دفاع از متهم به منظور کشف حقیقت ضرورت دارد. با کتمان حقیقت علاوه بر اینکه اطاله دادرسی ممکن است پیش آید، مرجع قضایی نیز در مراحل دادرسی با مشکل مواجه می گردد. علاوه بر این اثبات بی گناهی خود متهم در صورت عدم مجرمیت با چالش مواجه می شود و به حقوق افراد بزه دیده نیز خدشه وارد گردد.

گرچه با سکوت و نگفتن حقیقت ممکن است حقوق بزه دیده تضییع گردد، لیکن جرم نبوده و متهم قابل مجازات نیست، زیرا حق سکوت یکی از آثار اصل برائت است و اصل برائت با توجه به اهمیتش در حقوق امروز، از اصلی ترین حقوق دفاعی متهم محسوب می شود و به همین لحاظ نمی توان وی را به اتهام کتمان حقیقت مجرم تلقی و محکوم نمود.

به استناد دادنامه قطعی شماره: ۱۳۹۲/۰۹/۲۵ شعبه ۶۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، موجود در سامانه ملی آرای قضائی پژوهشگاه قوه قضائیه، متهم به لحاظ کتمان حقیقت مجرم و قابل مجازات نیست.

سومین حق در نظر گرفته شده برای متهم در زمان بازجویی توسط بازپرس، حق سکوت است... چرا متهم می تواند سکوت کند؟ هدف اصلی در نظر گرفتن حق سکوت برای متهم راباید در اصل برائت جستجو کرد. شخصی که در مظان اتهام قرار گرفته تا لحظه ای که حکم محکومیت قطعی او صادر گردد، بری، فرض می شود.^{۲۶}

۲. حقوق دفاعی متهم، حق است یا تکلیف؟

همیشه اصل بر بزهکاری متهم نیست. مطابق اصل ۳۷^{۲۷} قانون اساسی و ماده ۴^{۲۸} قانون آئین دادرسی کیفری، اصل، برائت^{۲۹} است. متواری شدن متهم و عدم حضور وی در فرایند دادرسی نباید استصحاب بر مجرم بودن وی قلمداد گردد. چه بسا فراری شدن ناشی از ترس این باشد که نتواند بی گناهی خود را به اثبات برساند و در توقیف قرار گیرد

تکلیف ضابطان دادگستری در مورد متهم تحت نظر به استناد ماده ۵۲ قانون آئین دادرسی کیفری بیانگر ضرورت اطلاع متهم از حقوق دفاعی خویش است. ناآگاهی از این حقوق در تضییع حقوق متهم دارای اهمیت بوده و در فرایند دادرسی نیز موثر است. در مقابل حقوق بزه دیده و جامعه، حقوق دفاعی متهم قرار دارد و رعایت آن از سوی عاملان دادرسی و ضابطان دادگستری مورد تأکید قانونگذار است. در پرونده کیفری شاکی با حضور نزد قاضی دلایل خود را ارائه می دهد و متهم که در دادسرا یا دادگاه حضور ندارد دلیلی هم برای دفاع از خود نمی تواند ارائه دهد، اینجاست که کفه ترازوی دلایل شاکی بخاطر حضور یکطرفه به قاضی سنگین و کفه متعلق به متهم در پرونده کم وزن جلوه می کند. آگاهی متهم از حقوق دفاعی و برخورداری از آن و تلاش در جهت دفاع از خود در مقابل بزه انتسابی، حق و از سوی ضابطان و مقامات قضائی تکلیف قانونی است. در تحقیقات مقدماتی رعایت

^{۲۶} - ایمان یوسفی، آئین دادرسی کیفری، چاپ دوم، (تهران، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۵)، ۶۶.

^{۲۷} - «اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد».

^{۲۸} - «اصل، برائت است. هرگونه اقدام محدود کننده، سلب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضائی مجاز نیست و در هر صورت این اقدامات نباید به گونه ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند».

^{۲۹} - پاک شدن از عیب و تهمت، خلاص شدن از قرض، و نیز براء در عربی بمعنی منشور و اجازه و جمع آن برائات است. (فرهنگ عمید، جلد اول، ص ۳۳۰)

حقوق دفاعی متهم الزامی است و متهم حق دارد که از این حقوق آگاه و برخوردار شود. مقام قضایی نیز این تکلیف متوجه اوست تا در راستای اجرای عدالت ترمیمی و رعایت حقوق متهم توجه خود را به حقوق طرفین معطوف نماید.

حق متهم به داشتن وکیل، حق اعتراض به قرارها و تصمیمات قضایی محدودکننده آزادی، حق اعتراض به نظریه کارشناسی و... از موارد حقوق دفاعی متهم و لازم الرعایه است.

حتی قانونگذار در ماده ۲۱۴ قانون آئین دادرسی کیفری که تدابیری را در مقابل خطرات احتمالی جانی یا حیثیتی یا ضررمالی شهود، مطلعین یا خانواده آنان که از ناحیه متهم متصور است بر شمرده، با این حال در جهت جلوگیری از تضییع حقوق متهم، در تبصره ۲ این ماده اذعان داشته که ترتیبات فوق باید به نحوی صورت پذیرد که منافی حقوق دفاعی متهم نباشد.

به موجب قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ متهم در دوران تحت نظر در جهت تضمین حقوق و آزادیهای فردی و نیز حفظ کرامت انسانی از حقوق دفاعی همچون حق سکوت، حق ملاقات با وکیل، حق تفهیم اتهام و... برخوردار گشته است. چنین موضعی در حقوق انگلستان نیز مشهود است و قانون پلیس و ادله کیفری این کشور حاوی موادی است که تکالیف متعددی را برای پلیس در راستای تضمین حقوق متهم تحت نظر قرار گرفته، مقرر داشته است.^{۳۰}

حقوق متهم از جمله حقوقی است که دولتها می بایست برای حفظ آن تلاش کنند تا دادرسی، عادلانه و منصفانه تشکیل شود. رعایت حقوق متهم در نظام عدالت کیفری نشان دهنده اهمیتی است که دولتها به تشکیل دادرسی منصفانه میدهند.^{۳۱}

متهم در تمامی فرایندهای تحقیق و دادرسی اعم از حضور در مرجع انتظامی یا قضایی از تمامی حقوق دفاعی و شهروندی برخوردار بوده و متولیان امر موظف و مکلف به رعایت حقوق بزهکار هستند.

دستیابی متهم به دادرسی عادلانه مستلزم آن است که شاکی و متهم از حقوق نسبتاً مشابهی برخوردار باشند. عدم رعایت حقوق دفاعی متهم آن هم در مرحله تحقیقات مقدماتی نقش به سزایی در امر تحصیل دلیل و اظهار نظر قضایی نسبت به بزهکاری یابی گناهی متهم دارد. تغییر و دگرگونی قالب های سنتی می تواند کلیدی پیش روی قضات باشد تا با سعه صدر حقوق دفاعی متهم را مورد توجه و رعایت قرار دهند.^{۳۲} جایگاه عدالت ترمیمی و حقوق دفاعی متهم و حقوق بزه دیده بایستی از سوی مقامات قضایی به صورت منصفانه رعایت گردد. در جهت اجرای عدالت بزه دیده و بزهکار در تعامل با هم قرار دارند و در این بین نقش جامعه و دستگاه قضا و مراجع انتظامی بسیار حائز اهمیت است.

^{۳۰} - الهام حیدری «حقوق دفاعی متهم در دوران تحت نظر در قانون آیین دادرسی کیفری و بررسی تطبیقی آن با حقوق انگلستان»، نشریه دیدگاه های حقوق قضایی، ۷۱ (۱۳۹۴): ۲۷.

^{۳۱} - رجبعلی گلدوست جویباری؛ علیرضا میرکمالی؛ ژاله قلی « نوآوری های آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در باره حقوق دفاعی متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی»، نشریه دانش و پژوهش حقوقی، ۷ (۱۳۹۷): ۷۸.

^{۳۲} - پیمان حسین زاده، پیمان « نگاهی اجمالی به حقوق دفاعی متهم»، نشریه دادرسی، ۷۷، (۱۳۸۸): ۴۵.

حق متهم بی گناه به جبران خسارت ناشی از بازداشت موقت، منع رفتارهای خشن، غیرانسانی و شکنجه، جداسازی افراد بازداشت شده از سایر زندانیان، نظارت بر شرایط فیزیکی و وضعیت بازداشتگاه و مقررات مربوط به بازداشت های اداری و غیرجزائی و افراد بازداشت شده در این موارد از جمله مهمترین موضوع هایی است که به عنوان حقوق متهمان بازداشت شده و تکالیف دولت ها در اسناد بین المللی آمده است.^{۳۳}

اگر در بزه کار این احساس به وجود آید که از سوی مقامات قضایی حق وی مورد تعرض قرار گیرد و ممکن است بی گناه در مسیر دادرسی مورد توبیخ و توقیف نا عادلانه قرار گیرد بی شک برای حضور و دفاع از حق خود دچار تردید می شود. ضرورت دارد که این احساس ناخوشایند را با رعایت دقیق حقوق متهم در وجود افراد از بین برد.

بدیهی است عدم توجه به حقوق متهم و رعایت نکردن آن ممکن است به محرومیت بی گناه و آزادی مجرم بیانجامد و اقداماتی که برای ترمیم اخلال در نظم و امنیت عمومی و جلوگیری از تضییع حقوق افراد جامعه صورت می گیرد، به اخلال در نظم و تضییع حقوق افراد منجر گردد. بنابراین از یک طرف، باید چگونگی تحصیل دلیل و شیوه آن را مشخص کرد و ضوابطی را برای آن در نظر گرفت و رعایت آن را از مقامات قضایی و در برخی مواقع با ضمانت اجرای بطلان طلب نمود و از طرف دیگر امکانات قضایی لازم برای دفاع متهم را از دقایق، مقام تحقیق و ضابطین دادگستری در نظر گرفته، فراهم ساخت به موضوع این تضمینات قانونی و قضایی که در سطح ملی، منطقه ای و بین المللی برای افرادی که در مظان ارتکاب بزه قرار گیرند، در سر اسر رسیدگی کیفری و با هدف اتخاذ تصمیمی عادلانه به دور از اشتباهات قضایی منظور گردیده است، حق دفاع متهم می گویند.^{۳۴}

در گذشته به لحاظ ضعف قوانین و مقررات جزایی و ضعف مراجع نظارتی نسبت به مراجع انتظامی و قضایی و عدم پیش بینی نهادهای ارفاقی و عدم توجه به ساز و کارهای ترمیمی و تلاش بر اجرای فرایند عدالت کیفری حقوق متهمین تضییع می شد و این دیدگاه و ذهنیت هنوز در بین افراد جامعه نهادینه شده و وجود دارد.

مواد قانون آئین دادرسی کیفری در زمینه تکالیف ضابطان در برابر متهم تا حد زیادی تحت تأثیر موازین حقوق بشر بوده و مقررات آن بسیار بیشتر از گذشته جنبه حمایتی دارد.^{۳۵} با تصویب قانون آئین دادرسی کیفری و قانون مجازات و قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در سنوات گذشته کفه ترازوی عدالت برخلاف گذشته به نفع متهم و جنبه حمایتی پیدا کرده است.

فکر آزادی خواهی و حمایت فرد در برابر جامعه، اندیشمندان را بر آن داشت تا قوانین کیفری را به نفع متهم اصلاح کنند. این عقیده رواج یافت که متهم طرف اصلی و مهم دادرسی های جزایی است. تمام مجراهای غم انگیز دادرسی های جزایی به خاطر انسان نگون بختی است که متهم نامیده می شود و بحق یا ناحق مورد تعقیب قرار گرفته و آبرو، شرف، حیثیت، آزادی و حتی حیات

^{۳۳} - محمدرضا گودرزی بروجردی «سیاست جنایی قضایی» (تهران: انتشارات سلسبیل، ۱۳۸۵)، ۶۰.

^{۳۴} - یوسف علی باقرپور «تضمینات قانونی و اساسی دادرسی و تحقیقات مقدماتی» (مطالعه تطبیقی حقوق ایران و فرانسه)، فصلنامه بصیرت، ۴۳ (۱۳۸۴): ۱۱۲.

^{۳۵} - علی خالقی، آئین دادرسی کیفری (تهران: انتشارات شهردانش، ۱۴۰۰)، ۸۹.

اودر معرض نابودی است. برای متم باید آزادی کافی و متناسب وجود داشته باشد و تمام امکانات در اختیار او قرار گیرد تا بتواند از خود دفاع کند.^{۳۶}

۳. همکاری موثر در دادرسی و کشف حقیقت

هدف از دادرسی اجرای عدالت قضایی در جامعه از طریق طی فرآیندهای لازم بر اساس موازین قانونی و قضایی در سایه شرع و کفردادن افراد مخل نظم و امنیت عمومی به منظور صیانت از حقوق افراد بزه دیده و جامعه است. انجام صحیح دادرسی و اجرای عدالت بدون احراز واقعیت و کشف حقیقت بدون دسترسی به متهم و در نظر گرفتن حقوق دفاعی وی آسان نخواهد بود. همکاری موثر متهم در کشف جرم و دستیابی به واقعیت از موجبات برخورداری متهم از تخفیفات قانونی است و دست قاضی نیز برای کمک به وی در اعمال مجازات خفیف تر قانونی باز است.

کیفیات مخفف اوضاع و احوالی هستند همانند عذرهای مخفف که باعث کاهش مجازات می گردند. با این تفاوت که هرگاه وجود آنها برای قاضی محرز گردید در اعطای تخفیف مختار است. کیفیات مذکور به طور حصری در هشت بند در ذیل ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی پیش بینی شده است و قاضی مکلف است آن ها را در حکم محکومیت صریحا قید کند.^{۳۷}

بر اساس مفاد ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی؛ جهات تخفیفی که بلحاظ همکاری متهم برای تسهیل دادرسی باعث کشف حقیقت شده و متهم می تواند از آن بهره ببرد موارد ذکر شده در بندهای «ب»، «پ»، «ت»، «ج»، «ح» و... این ماده است که در صورت متواری بودن متهم، بلحاظ عدم توان در اثبات این موارد برخورداری از تخفیفات را در زمان صدور حکم از دست خواهد داد.

از آنجائی که روند محاکمات عبارت است از چالش میان دو طرف (دادستان و متهم)، در صورتی که یکی از آنها حضور نداشته باشد، محاکمه به معنی واقعی کلمه نمی تواند جریان پیدا کند. بعلاوه از آنجا که جمع آوری مدرک به عهده هریک از طرفین گذاشته شده است، یعنی به ترتیب اثبات اتهام متهم به عهده دادستان و رفع اتهام از متهم به عهده خوانده (متهم)، در صورت غیاب متهم، کسی نمی تواند آن نقش مهم را بجای وی ایفا کند.^{۳۸}

همکاری و حضور متهم تحت تعقیب در امر دادرسی از موجبات کشف حقیقت است، ممکن است نقش متهم در ارتکاب جرم ضعیف بوده یا تحت شرایطی و اوضاع و احوالی متناسب با اسباب اباحه (علل موجهه جرم) مجبور به انجام بزه شده باشد. بیان این مطالب تحت عنوان دفاع و ابراز واقعیت، به نفع متهم خواهد بود، مانند حالت اضطرار، تحریک یا انگیزه شرافتمندانه متهم در ارتکاب بزه، دفاع مشروع و...، که ضرورت دارد قاضی از این موارد آگاهی داشته باشد.

۴- حق بهره مندی متهم از جلوه های عدالت ترمیمی و نهادهای ارفاقی

^{۳۶} - محمود آخوندی، آئین دادرسی کیفری، اندیشه ها، جلد چهارم، ویراست سوم، (تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۴)، ۱۳۶.

^{۳۷} - محمد علی اردبیلی، حقوق جزای عمومی، بیست و سوم، جلد سوم، (تهران، نشر میزان، ۱۴۰۰)، ۱۴۰.

^{۳۸} - آنتونیو کسسه، حقوق کیفری بین المللی، ترجمه، حسین پیران، اردشیر امیرارجمند، زهرا، موسوی، (تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۷)، ۴۵۸.

فرد بزهکار این حق را دارد تا از ظرفیت صلح و سازش بهره مند گردد. یکی از جلوه های عدالت ترمیمی صلح و سازش است و دستیابی به این امتیاز نیاز به حضور متهم و چه بسا رویارویی با فرد بزه دیده خواهد بود، در صورت عدم حضور یا امتواری شدن متهم از دادرسی و میانجیگری، به یقین دستیابی به صلح و سازش به راحتی امکانپذیر نیست.

عدالت ترمیمی چارچوب کلی و متفاوت را برای فهم تعارض ها و جرائم، و چگونگی پاسخ به آن ها ارائه نموده است. این مفهوم، جرم رانه صرفا در قالب نقض قانون، که به عنوان رفتاری که منجر به آسیب می شود، به رسمیت می شناسد. بنابراین عدالت به معنای بررسی آسیب ها و شیوه های برطرف کردن و درمان آن هاست. عدالت ترمیمی در قالب شیوه های مختلف، مفهوم سازی شده است.^{۳۹}

چنانچه قوانین و مقررات کیفری نا کارآمد و ضعیف باشند و صرفا تأکید بر اجرای عدالت کلاسیک و کیفری داشته باشند و توجهی به عدالت ترمیمی نشود و در زمینه اقدامات قضایی ارفاق آمیز بی اثر باشند به یقین در جهت اجرای دادرسی منصفانه و احقاق حق توفیقی عاید نخواهد شد.

قانون آئین دادرسی کیفری از مهمترین قوانین پایه هر کشور است که بخش مهمی از نظم عمومی کیفری و عدالت کیفری از طریق آن اجرا می شود. امروزه در میان نظریه پردازان حقوق کیفری اعتقاد بر آن است که عدالت ترمیمی به عنوان یکی از شیوه های حل و فصل اختلافات باید از اصول و قواعد خاصی که تضمین کننده حقوق بزهکار و بزه دیده به صورت همزمان از آن پیروی نماید. با توجه به این امر که محدودیت عدالت ترمیمی مبتنی بر جبران و ترمیم خسارت وارده هست از این رو با بهره گیری از این نوع سیاستگذاری در حال حاضر در بسیاری از موارد مقام قضایی از گستره ی پاسخ دهی سامانه های عدالت ترمیمی استفاده مینماید. در واقع تحت تأثیر این راهبرد، واکنش ترمیمی هم در کنار سایر ضمانت اجراها وارد پهنه عدالت کیفری شده اند تا بر این اساس، کارگزاران عدالت کیفری به مناسبت از هر یک از آنها برای پاسخ دهی به بزهکاری استفاده کنند.^{۴۰}

برای پیشگیری از وقوع جرم و کاهش جرم و اثرگذار بودن مجازاتها و احقاق حق در جامعه امروزه قوانین قدیمی در زمینه سیاست جنایی چندان موثر نبوده و بدون تطبیق و اعمال فرایندهای ترمیمی و سازشی و بدون توجه به حقوق طرفین دعوی نتیجه چندان درخور اهمیت ندارد.

هدف آیین دادرسی کیفری در گفتمان سیاست جنایی قانونگذار در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ متحول شده و در کنار عدالت کیفری کلاسیک که ناظر به منافع جامعه از گذر کیفر سریع و حتمی همه جرم هاست به میانجیگری به عنوان یکی از برنامه های «عدالت ترمیمی» و «صلح میان طرفین» به عنوان نمادی از «عدالت کیفری تصالیحی» نیز معطوف شده است. به این ترتیب، ماده ۱۱ این قانون، میانجیگری را به عنوان یکی از شیوه های حل اختلاف ناشی از جرایم پیش بینی

^{۳۹}- محمد فرجیها، (زیر نظر). دانش نامه عدالت ترمیمی (مجموعه مقاله های همایش بین المللی عدالت ترمیمی و پیشگیری از جرم)، چاپ اول، (تهران، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۵)، ۴۲۴.

^{۴۰}- امیر حسین نیازپور، حقوق کیفری کودکان و نوجوانان، چاپ اول، (تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۳)، ۱۱۵.

کرده و سپس در مواد ۸۲، ۸۳ و ۸۴ همان قانون و آیین نامه میانجیگری مصوب ۱۳۹۵/۸/۲۶ آن راضابطه مند نموده است.^{۴۱}

در ماده ۱۱ قانون^{۴۲} کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۲ که با اصلاح ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی بسیاری از جرائم را در زمره جرائم قابل گذشت قرار داده از حیث سازوکار ترمیمی و ارفاقی قدمی شایسته در حق بزهدار برداشته است.

لزوم پاسخگویی سریع و مؤثر پلیس به پدیده مجرمانه و استفاده از برنامه های ترمیمی در زمان مناسب، ضمن جلوگیری از گسترش انتقام های شخصی، بزه دیدگی ثانویه، اطاله دادرسی و مراجعه بی مورد افراد به نظام کیفری، باعث التیام آلام و جبران خسارات مادی و معنوی بزه دیده خواهد شد. موفقیت پلیس در این راه مستلزم تغییراتی در ساختار و نیز تغییر نگرش پلیس است. تغییر راهبرد از سیاست های خشن به سیاست های جنایی مشارکت محور و نیز حرکت در مسیر حاکمیت الگوی پلیس اجتماع محور از جمله این الزامات است. بنابراین باتوجه به اهمیت نقش پلیس در اجرای عدالت ترمیمی و نتایجی که از اجرای این برنامه ها در نظام قضایی آشکار می گردد، لزوم اعطای اختیارات قانونی به پلیس، تأمین منابع انسانی آموزش دیده، اهتمام به مباحث جامعه محوری پلیس و التفات به اجرای حقوق شهروندی ضروری می نمایاند.^{۴۳}

از نو آوری های قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در راستای تحقق عدالت ترمیمی، به منظور کمک به متهم و محکوم صدور برخی قرارها و احکام و اعمال پاره ای از تأسیسات ارفاق آمیز قانونی از سوی مقامات قضایی نسبت به متهم است. نمونه ظرفیتهای ارفاق آمیز برای متهم محدود کردن بازداشت، صدور قرارهای تأمین کیفری خفیف تر و قرارهای نظارت قضایی متناسب

^{۴۱} - علی حسین نجفی ابرندآبادی «گفتمان سیاست جنایی قانون گذار در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲» در: حج اندیشه؛ هم افزایی فقه و حقوق در تحقق توسعه و تعالی انسانی (مجموعه مقالات در نکوداشت استاد شهید دکتر حاج ناصر قربان نیا)، به کوشش نعمت الله الفت، چاپ دوم، قم، دانشگاه مفید، ۱۳۹۶، ۶۱۹.

^{۴۲} - ماده ۱۱ - ماده (۱۰۴) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ به شرح زیر اصلاح و یک تبصره به آن الحاق می شود:

ماده ۱۰۴ - علاوه بر جرائم تعزیری مندرج در کتاب دیات و فصل حدّ قذف این قانون و جرائمی که به موجب قوانین خاص قابل گذشت می باشند، جرائم مندرج در مواد (۵۳۶)، (۵۹۶)، (۶۰۸)، (۶۰۹)، (۶۲۲)، (۶۳۲)، (۶۳۳)، (۶۴۱)، (۶۴۷)، (۶۴۸)، (۶۶۸)، (۶۶۹)، (۶۷۳)، (۶۷۴)، (۶۷۶)، (۶۷۷)، (۶۷۹)، (۶۸۲)، (۶۸۴)، (۶۸۵)، (۶۹۰) در مواردی که املاک و اراضی متعلق به اشخاص خصوصی باشد، (۶۹۲)، (۶۹۳)، (۶۹۴)، (۶۹۷)، (۶۹۸)، (۶۹۹)، (۷۰۰)، (۷۱۶)، (۷۱۷) و (۷۴۴) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ و جرائم انتقال مال غیر و کلاهبرداری موضوع ماده (۱) قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام، به شرطی که مبلغ آن از نصاب مقرر در ماده (۳۶) این قانون بیشتر نباشد و نیز کلیه جرائم در حکم کلاهبرداری و جرائمی که مجازات کلاهبرداری درباره آنها مقرر شده یا طبق قانون کلاهبرداری محسوب می شود در صورت داشتن بزه دیده و سرقت موضوع مواد (۶۵۶)، (۶۵۷)، (۶۶۱) و (۶۶۵) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ به شرطی که ارزش مال مورد سرقت بیش از دو بیست میلیون (۲۰۰،۰۰۰،۰۰۰) ریال نباشد و سارق فاقد سابقه مؤثر کیفری باشد و شروع و معاونت در تمام جرائم مزبور، همچنین کلیه جرائم تعزیری درجه پنج و پایین تر ارتکابی توسط افراد زیر هجده سال در صورت داشتن بزه دیده، مشمول تبصره (۱) ماده (۱۰۰) این قانون و ماده (۱۲) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ بوده و قابل گذشت است. تبصره - حداقل و حداکثر مجازات های حبس تعزیری درجه چهار تا درجه هشت مقرر در قانون برای جرائم قابل گذشت به نصف تقلیل می یابد.

^{۴۳} - علی اکبری، رستم؛ اسماعیلی، سیاوش؛ امینی اسدآبادی، حسین؛ حسینی نژاد، بهروز. «مبانی، اصول و برنامه های پلیس ترمیمی (میانجیگری پلیسی)» نشریه پژوهش های حقوقی قانون یار، دوره ۳، ۹ (۱۳۹۹): ۵۹.

با وضعیت و شرایط متهم، عدم صدور قرار بازداشت موقت الزامی، صدور قرارهای تعلیق تعقیب، تعلیق مجازات، استفاده از مجازات جایگزین حبس، نظام نیمه آزادی و آزادی مشروط و سهولت در اخذ رضایت یا گذشت بزه دیده، برخورداری از امتیازات قانون کاهش مجازات حبس تعزیری و... نام برد.

موارد ارفاق آمیز، نهادهای حقوقی ای هستند که متاثر از مکتب عدالت ترمیمی بوده و در راستای اصلاح بزه کار و جبران خسارات بزه دیده و ترمیم جامعه می باشد. در قانون مجازات اسلامی نهادهایی همچون تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات و مجازات های جایگزین حبس و در قانون آیین دادرسی کیفری مواردی چون قرار ترک تعقیب، قرار توقف تحقیقات و محدود کردن بازداشت ها از مصادیق تاسیسات ارفاقی می باشد. تاسیسات ارفاق آمیز سبب شد تا گامی جدی در جهت زندان زدایی، کاهش جمعیت کیفری و هزینه های پرداختی جامعه در قبال جرم، برداشته شود.^{۴۴}

از موجبات محرومیت و عدم برخورداری متهم از حقوق دفاعی همین متواری شدن و عدم همکاری اش با مرجع قضایی است. حضور و کمک به تسهیل دادرسی عواقب مثبتی را برای متهم در پی دارد و می تواند این حمایت قانونی و قضایی را برای خود محفوظ و در نحوه تعیین و اعمال مجازات بهره مند شود. متهمی که متواری و از چنگال عدالت گریزان است به یقین با برخورد قضایی و اعمال اقدامات قضایی سختگیرانه روبرو خواهد شد.

یکی از ارکان اساسی عدالت ترمیمی، فرایند ترمیمی است. اشکال این فرایند، همان طور که در اعلامیه اصول اساسی استفاده از برنامه های عدالت ترمیمی در قلمرو کیفری ذکر شده است؛ شامل میانجی گری، صلح و سازش، نشست ها و محافل تعیین مجازات می گردد. با مراجعه به حقوق کیفری ایران، مشاهده می شود که برخی از اشکال فرایند ترمیمی از جمله محافل تعیین مجازات در این نظام وجود ندارد و مصادیق موجود را می توان به نوعی میانجی گری به معنای عام کلمه، نام برد.^{۴۵}

بزهکار را نباید فقط با سیاست قضایی کیفری نگاه کنیم و طوری نباشد که در انتهای کیفر، بزهکار از جامعه فاصله بگیرد و به کیفر جدید روی بیاورد. در عدالت ترمیمی سه ضلع بزه دیده، بزهکار و جامعه محلی برای رسیدن به صلح و سازش اقدام می کنند. در حقوق ایران نیز وضعیت بر همین منوال است و زمانی که هنوز عدالت کیفری رسمی شکل نگرفته بود، مردم دعاوی خود را بین خودشان حل و فصل میکردند. البته جای هیچ شک و تردیدی نیست که مرجع تظلم خواهی نظام دادگستری است اما در وضعیتی که مردمان نگاه انتقام گیرانه ندارند میتوان از ظرفیت عدالت ترمیمی استفاده کرد.^{۴۶} ضرورت دارد که بحث عدم انتقام گیری در جامعه نهادینه شود و با رویکرد ترمیمی و از طریق فرایند غیرقضایی و استفاده از ظرفیتهای سازشی و مشارکت نهادهای مردمی قدم برداشت. از این حیث اقدامات معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم و معاونت توسعه حل اختلاف قوه قضائیه قابل تقدیر است.

^{۴۴} - ایمان کمالی فرد، «نقش و تأثیر تأسیس نهادهای ارفاقی در جهت کاهش آمار مجازات زندان»، هفتمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم انسانی، مدیریت و کارآفرینی ایران، تهران، ۱۳۹۹.

^{۴۵} - روح الله فروزش «جایگاه عدالت ترمیمی در فقه و حقوق اسلامی و حقوق ایران، بادبیاچه حسین میرمحمدصادقی، (تهران، انتشارات خرسندی، ۱۳۸۵)، ۱۷۶.

^{۴۶} - بهاره قبادی بیگوند «بررسی جلوه های عدالت ترمیمی در حقوق کیفری شکلی»، نشریه مطالعات حقوقی، ۳۱ (۱۳۹۸): ۱۲۷.

نظام کیفری ایران، با وقوع انقلاب اسلامی و تغییر نظام سیاسی دگرگون شد. قوانین و ساختار عدالت کیفری، بر پایه میراث حقوقی دوره پهلوی و اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی، در چارچوب فرایند اسلامی سازی بازبینی شد. در این دوره نیز از یک سو، مفاهیم "اصلاح بین طرفین و مصالحه" ابقاء و حتی به جرائمی چون قتل و ضرب و جرح تسری داده شد و از سوی دیگر، نهادهای شبه قضایی بالهام از نهادهای مشابه گذشته، در کنار مراجع قضایی کلاسیک ایجاد و سرانجام "میانجی گری کیفری" به عنوان یکی از جلوه های عدالت ترمیمی، ملهم از مطالعات تطبیقی، وارد حقوق کیفری ایران شد و جلوه های مختلف "عدالت توافقی" برای جرائم سبک گسترش یافت.^{۴۷} راه اندازی دفاتر و موسسات میانجیگری که اخیراً مورد اهتمام جدی از سوی معاونت توسعه حل اختلاف قوه قضائیه قرار گرفته در فرایند صلح و سازش و رفع اختلاف و کاهش آسیب های وارده به بزه دیده و بزهکار اقدامی بسیار مفید و در راستای اجرای عدالت ترمیمی است.

«اعطای مهلت به متهم» و «ارجاع به میانجی گری» دو اقدامی است که با الهام از آموزه های عدالت ترمیمی، به منظور جبران خسارت بزه دیده، سازش طرفین و خارج ساختن پرونده های کم اهمیت از فرآیند قضایی در ماده ۸۲ ق.آ.د.ک پیش بینی شده است.^{۴۸}

میانجی گری و صلح (سازش)، هر دو از شیوه های جایگزین حل اختلاف می باشند که مقنن در ماده یک قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، آنها را در عرض یکدیگر مطرح نموده و در مواد ۸۲، ۸۳ و ۸۴ این قانون، سازوکار، شرایط و ضوابط مشخصی برای میانجی گری پیش بینی نموده است. صلح و سازش ممکن است نتیجه میانجی گری باشد یا از هر طریق دیگری حاصل شود. بر این اساس قانونگذار در مقررات مختلف از جمله ماده ۱۹۲ به آن اشاره نموده است. با توجه به تصریح ماده ۸۲ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، ارجاع امر کیفری از سوی مقام قضایی به میانجی گری تنها در جرائم تعزیری درجه ۶ و ۷ و ۸ که اجرای مجازات آنها قابل تعلیق باشد، امکان پذیر است. ارجاع امر میانجی گری، تنها از سوی مقام قضایی (دادستان) امکان پذیر است و سایر مقامات در این خصوص حق ارجاع را ندارند. (نظریه مشورتی ۷/۹۴/۵۴۹ مورخ ۱۳۹۴/۰۳/۰۲).

در تمام مواردی که به موجب نهادهای حقوق کیفری، ارفاقی برای متهم در نظر گرفته شده است، شرط اجرای مقررات آن احیاء حقوق بزه دیده است. قرار ترک تعقیب (ماده ۷۹)، قرار بایگانی شدن پرونده (ماده ۸۰)، قرار تعلیق تعقیب (ماده ۸۱)، ارجاع به میانجیگری و اعطاء مهلت به متهم (ماده ۸۲)، تخفیف پس از صدور حکم قطعی (ماده ۴۸۳) از ق.آ.د.ک و حکم به معافیت از کیفر (ماده ۳۹)، آزادی مشروط (ماده ۸۵)، نظام نیمه آزادی (ماده ۵۷)، تعویق صدور حکم (ماده ۴۰) از ق.م.ا (۹۲) از جمله نهادهای کیفری محسوب می شوند که تا شاکه خصوصی اعلام گذشت نکرده یا وضعیت جبران خسارت وارده به وی مشخص نشده باشد، امکان اعمال آنها در مورد متهم وجود ندارد.^{۴۹}

^{۴۷} - محمد فرجیها، (زیر نظر)، دانش نامه عدالت ترمیمی (مجموعه مقاله های همایش بین المللی عدالت ترمیمی و پیشگیری از جرم)، چاپ اول، (تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۵)، ۸۱۹.

^{۴۸} - علی خالقی، آئین دادرسی کیفری (تهران: انتشارات شهردانش، ۱۴۰۰)، ۲۲۳.

^{۴۹} - جواد طهماسبی، آئین دادرسی کیفری، جلد دوم، (تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۸)، ۵۵.

برخورداری متهم از نهادهای ارفاقی بارویکرد عدالت ترمیمی در مجازات های جایگزین از جمله تعلیق مراقبتی، تعویق تعقیب، نظارت قضایی و نظام نیمه آزادی در حقیقت کمک شایانی به جبران خسارت بزه دیده و بازسازی بزهکاری و پیشگیری از جرم مجدد خواهند نمود.

اصولاً با وقوع جرم حقی برای اشخاص بزه دیده ایجاد میشود و دستگاه قضایی به نمایندگی از وی به تعقیب، محاکمه و در نهایت مجازات وی خواهد پرداخت. با این وجود قانونگذاران اغلب کشورها جرایمی با عنوان جرایم قابل گذشت تعیین کرده اند. در این جرایم اگرچه با وقوع جرم نظم جامعه مخدوش و مختل شده است لکن تا قبل از شکایت بزه دیده نماینده قضایی حقی مبتنی بر تعقیب مجرم و مجازات وی ندارد. همچنین نظام قضایی در راستای تخفیف و در جهت سیاست فردی کردن مجازاتها، گاهی با در نظر گرفتن شرایط خاص، اقدام به تغییر ماهیت مجازات به مجازاتی که مناسبتر به حال متهم باشد، میکند که باید توجه داشت کیفیات مخففه و مبدله باعث میشود اولاً مجازاتها با شخصیت بزهکاران منطبق شوند؛ ثانیاً افکار عمومی همانطور که در برخی موارد شدید شدن مجازات برای برخی افراد را میخواهند در برخی موارد هم خواستار تخفیف مجازات میباشد) نیز اقناع شود.^{۵۰}

درفرآیند دادرسی هدف از تعقیب متهم و اجرای عدالت صرفاً عدالت کیفری و مجازات متهم نیست بلکه در کنار آن توجه خاصی به وضعیت بزهکار و بزه دیده بارویکرد ترمیمی و بازپروری خواهد شد. در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ قانونگذار با تأسیس نهادهای ارفاقی و کیفرهای جایگزین حبس علاوه بر مدنظر قرار دادن و رعایت حقوق بزه دیده، کمک قانونی به بزهکار را مدنظر قرار داده است.

«عدالت سزادهنده» که ناظر به جرم است و «عدالت بازپرورانه» که ناظر به بزهکار است و هر دو به عنوان مدل کلاسیک یاستنی عدالت کیفری مشهور شده اند، در دهه های اخیر، با ایرادهای مختلفی که متوجه کارایی و عملکرد آنهاست روبه رو هستند. روی این قضیه عده ای از جرم شناسان و حقوقدانان در پی جابه جایی نظام عدالت کیفری کلاسیک برآمدند و نظام عدالت جدیدی با عنوان "عدالت ترمیمی" به عرصه ی جرم شناسی و جزا وارد شده است. این مدل به اعتقاد طرفداران آن می تواند علاوه بر حل و فصل اختلافی که با ارتکاب جرم ایجاد شده است، خصومت تنش و اختلاف ناشی از آن بین بزه دیده و بزهکار را در جامعه ی محلی در چارچوب فرآیند میانجی گری، مذاکره و مصالحه جمعی و باروش های متنوع رفع و ترمیم کند.^{۵۱}

^{۵۰} - هادی جعفریان؛ حجت نیسی، «بررسی نقش فرآیند عدالت ترمیمی در پیشگیری از جرم و کاهش آثار مربوطه»، نشریه دانش انتظامی، چهارمحل و بختیاری، ۲۹ (۱۳۹۹): ۹۹-۱۲۰.

^{۵۱} - میرحیدر میرنقی زاده؛ اکبر صفری، «مقایسه عدالت کلاسیک با عدالت ترمیمی»، فصلنامه علمی حقوقی قانون یار، ۲ (۱۳۹۶): ۱۹۹.

امروزه تدوین قوانین و مقررات جزایی با تأسیس نهادهای ارفاقی و تعیین مجازات‌های جایگزین حبس و روی آوردن دستگاه قضا به بهره‌گیری از ظرفیتهای میانجی‌گری و مسالمت‌آمیز و مشارکت‌مردمی در بحث رفع اختلاف و صلح و سازش متأثر از مکتب عدالت‌ترمیمی است.

باتصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ شاهد ورود نهادهای ارفاقی جدیدی به نظام عدالت کیفری ایران هستیم. نهادهای مذکور با رویکردی ارفاقی در صددند تا ضمن اعمال کیفر زمینه را برای بازسازی محکوم علیه فراهم کنند.^{۵۲}

ظهور عدالت‌ترمیمی در سیاست جنایی ایران را خواه ناشی از الزامات مدیریتی و شکست سیاستهای کنترلی گذشته بدانیم یا تقلید و تلفیقی از این دو، چنانچه بدون توجه به برخی الزامات و ضرورتها و شرایط فرهنگی و اجتماعی و بدون در نظر گرفتن نگرش مردم نسبت به جرم، مجازات و سیستم عدالت کیفری دنبال شود، نمی‌تواند به اهداف واقعی خود برسد.^{۵۳}

امروزه حسب اقتضائات روز جامعه و شرایط مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و مشکلات و موانع، محدودیتهای و محرومیتهای موجود، قوانین کیفری سابق جوابگو، موثر و بازدارنده نبوده و چاره‌ای جز این نیست که قوانین جدیدی تدوین شود. نباید صرفاً تأکید بر اقدام یک طرفه و تنبیه بزهکار با رویکرد عدالت کیفری باشد و بلکه رویکرد عدالت‌ترمیمی و توجه به حقوق طرفین به نحو دقیق مورد توجه قانونگذار قرار گیرد.

نتیجه:

در پژوهش انجام شده با مذاقه در قوانین و مقررات کیفری جاری کشورمان همچون قانون اساسی، قانون آئین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی و منابع فقهی و حقوقی در یافتیم که در راستای اجرای عدالت کیفری و اصل برائت همانگونه که فرد بزه دیده و جامعه دارای حقوقی است، بزهکار نیز از حقوق مساوی در مراحل تحقیق و دادرسی نزد مراجع انتظامی و قضایی در جامعه برخوردار است و رعایت این قواعد حقوق بشری برای شهروندان تحت عنوان حقوق دفاعی لازم‌الرعایه بوده و ضمن اینکه حقی برای متهم است برای سایرین بخصوص پلیس و مقام قضایی تکلیفی شرعی و قانونی است. در قانون فعلی آئین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی و قانون کاهش مجازات حبس تعزیری و با ایجاد تأسیسات ارفاق‌آمیز قانونی و قضایی بستر و زمینه برای رعایت حقوق متهم با رویکرد اصلاحی و پیشگیرانه فراهم است و در بسیاری از موارد این خود متهم است که با فرار خود زمینه محرومیت از این حقوق را فراهم می‌آورد. از عواملی که باعث شده متهم از دادرسی و محاکمه منصفانه متواری گردد بیم از عدم رعایت این حقوق دفاعی از سوی دست‌اندرکاران تعقیب و دادرسی و ایجاد ارباب از سوی اطرافیان و مراجع انتظامی است و می‌تواند ناشی از عدم آگاهی متهم از برخی حقوق دفاعی و ناآشنایی از ابزارها و ظرفیت‌های قانونی باشد.

^{۵۲} - بابک پورقهرمانی، ایرج نگهدار «ارزیابی رویکرد قضات به اعمال نهادهای ارفاقی جدید (مطالعه موردی محاکم کیفری استان کردستان)»، نشریه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ۴۸ (۱۳۹۷): ۲۲۷.

^{۵۳} - محمدفرجیه‌ها، (زیر نظر). دانش نامه عدالت‌ترمیمی (مجموعه مقاله‌های همایش بین‌المللی عدالت‌ترمیمی و پیشگیری از جرم)، چاپ اول، (تهران، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۵)، ۳۲۶.

با ترس و واهمه و عدم حضور نزد قاضی به یقین متهم قادر به دفاع از خود و برخورداراز دادرسی عادلانه در فرآیند دادرسی نخواهد بود و با اخلال و اطاله در مسیر دادرسی علاوه بر تضییع حقوق جامعه و بزه دیده، با محرومیت از حقوق دفاعی و جلوه های عدالت ترمیمی و تأسیسات ارفاق آمیز در فرآیند محاکمه و مجازات روبرو خواهد شد. متأسفانه در کشورمان همچنان بسیاری از متهمین نسبت به حقوق دفاعی خود توجه نبوده و اطلاعات کافی نداشته و به محض ارتکاب جرم مورد سرزنش اطرافیان و برخورد قهرآمیز مراجع ذیصلاح انتظامی و قضایی قرار گرفته و این امر سبب ترس، تردید به بی طرفی مرجع قضایی و فراری شدن بزهکار و در نتیجه تضییع بسیاری از حقوق مصرحه قانونی وی می گردد.

در حقیقت باید اذعان داشت که امروزه رویه جذب کادر قضایی از افراد با سنین پائین و کم تجربه در دستگاه قضا که موجب نگرانی بسیاری از حقوقدانان و وکلای دادگستری و مردم بلحاظ ضعف عملکرد قضایی شده است، تا حدی تضییع برخی حقوق دفاعی و محکمه گریزی بزهکاران بی تأثیر از این رویه نیست. بلحاظ عدم تشکیل پلیس قضایی و عدم برخورداری جامعه از مأمورین زبده و کارآگاه و متخصص، در بین ضابطان دادگستری اجرای دستورات قضایی توسط برخی مأمورین جوان و کم تجربه و آموزش ندیده و یا ضعف نظارت از سوی قضات بر ضابطان تحت امر، بی اعتمادی متهمین را در پی داشته و بیم از عدم رعایت حقوق آنها ضمن وجود دلهره و ترس از شکنجه، استخفاف، محرومیت متهمین از معرفی کفیل یا وثیقه در مرجع قضایی، گزارش های خلاف واقع و جرم انگارانه، تأثیر پذیری قضات از گزارش های ضابطان علیه متهم یا سایر رفتار تبعیض آمیز پلیسی یا قضایی باعث قانون گریزی، عدم حضور در مرجع قضایی و نهایتاً فرار از تعقیب و دادرسی می گردد.

امروزه توجه به حقوق دفاعی متهم در قانون آئین دادرسی کیفری در مقایسه با قانون سابق به روشنی محسوس و لازم الرعایه است. بسترهای عدالت ترمیمی نیز در قانون آئین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی از سوی قانونگذار نسبت به گذشته با تغییرات و اصلاحات بسیار ارزشمندی همراه است. توجه به موضوع میانجیگری و اهمیت صلح و سازش از سوی قوه قضائیه با تأسیس شوراهای حل اختلاف طی سنوات گذشته و ایجاد پروژه مصلحین و حکمین قرآنی توسط معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه و همچنین راه اندازی ستاد ملی صبر از سوی مرکز توسعه حل اختلاف در معیت شوراهای حل اختلاف در سالهای اخیر و تلاش در جهت راه اندازی موسسات داوری در امور حقوقی و میانجیگری در امور کیفری از سوی این مرکز در زمینه اجرای عدالت ترمیمی نقش بسزایی را در جامعه و کمک به دستگاه قضا ایفاء می کند. مداخله مردمی و مشارکت مدنی در کنار توجه به حقوق بزه دیده گامی موثر در زمینه توجه به حقوق دفاعی متهم نیز پیش از پیش برداشته شده است. برداشتن گام های محکم در جهت ترمیم زیان های ناشی از جرم به بزه دیده و کمک به متهم از طریق میانجیگری و اعمال جلوه های عدالت ترمیمی از طریق استفاده از بستر نهادهای ارفاقی کیفری موجود در قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی با تدوین دستورالعملها و راهکارهای عملی مورد تأکید مراجع قضایی و تأسیس نهادهای سازشی موازی در قوه قضائیه حکایت از توجه قانونگذار و اهمیت دادن دستگاه قضا به این مقوله دارد. ناگفته نماند اقدام یک جانبه گرایانه قانونگذار در زمینه جرم انگاری در سال های اخیر به نوعی در بین شهروندان ایجاد ناامنی ایجاد کرده و بسیاری افراد بر این باورند که در صورت ارتکاب یک رفتار مجرمانه ممکن است به اتهامات متعدد تحت تعقیب و برخورد قضایی قرار گیرند و این تحقیقات و تفهیم اتهام های مضاعف و صدور آراء غیر متناسب باعث توقیف طولانی و سلب آزادی آنها گردد. بازداشت های طولانی مدت از لحاظ اجتماعی، اقتصادی و شرافتی لطمه و صدمات زیادی و چه بسا غیر قابل جبرانی را برای افراد و خانواده آنها در پی خواهد داشت.

فهرست منابع:

کتاب:

- اردبیلی، محمدعلی، **حقوق جزای عمومی**، شصت و ششم، جلد نخست، (تهران، نشر میزان، ۱۴۰۰).
- اردبیلی، محمدعلی، **حقوق جزای عمومی**، بیست و سوم، جلد سوم، (تهران، نشر میزان، ۱۴۰۰).
- آخوندی، محمود، **آئین دادرسی کیفری، اندیشه ها**، جلد چهارم، ویراست سوم، (تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۴).
- آشوری، محمد، **آئین دادرسی کیفری**، جلد دوم، (تهران، سمت، ۱۳۸۸).
- آنتونیوکسسه، **حقوق کیفری بین المللی**، ترجمه، پیران، حسین، امیرارجمند، اردشیر، موسوی، زهرا، (تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۷).
- تدین عباس، مترجم، **قانون آئین دادرسی کیفری فرانسه**، اول، (تهران، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۱).
- خالقی، علی، **آئین دادرسی کیفری**، چهل و سوم، (تهران، انتشارات شهردانش، ۱۴۰۰).
- فرجیها، محمد (زیر نظر)، **دانش نامه عدالت ترمیمی (مجموعه مقاله های همایش بین المللی عدالت ترمیمی و پیشگیری از جرم)**، چاپ اول، (تهران، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۶).
- رستمی، هادی، **آئین دادرسی کیفری**، چاپ اول، (تهران، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۷).
- طاهری، محمدعلی، **خشونت ساختاری و فرآیند عدالت کیفری، رهیافتی جرم شناسانه و تطبیقی به آموزه نفی خشونت**، (تهران، انتشارات محراب فکر، ۱۳۸۵).
- طهماسبی، جواد، **آئین دادرسی کیفری**، جلد دوم، (تهران، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۸).
- عمید، حسن، **فرهنگ عمید (دوجلدی)**، بیست و هشتم، (تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۲).
- فروزش، روح الله، **جایگاه عدالت ترمیمی در فقه و حقوق اسلامی و حقوق ایران**، بادیاچه حسین میرمحمدصادقی، (تهران، انتشارات خرسندی، ۱۳۸۵).
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- قانون آئین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲.
- قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، مصوب ۱۳۹۹.
- قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲.
- کاتوزیان، ناصر، **فلسفه حقوق**، پنجم، جلد اول، (تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۸).
- گودرزی بروجردی، محمدرضا، **سیاست جنایی قضایی**، دوم، (تهران، انتشارات سلسبیل، ۱۳۸۵).

نجفی ابرنآبادی، علی حسین. «گفتمان سیاست جنایی قانون گذار در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲» در: حج اندیشه؛ هم افزایی فقه و حقوق در تحقق توسعه و تعالی انسانی (مجموعه مقالات در نکوداشت استاد شهید دکتر حاج ناصر قربان نیا)، به کوشش نعمت الله الفت، چاپ دوم، (قم، دانشگاه مفید، ۱۳۹۶).

نیازپور، امیرحسین. حقوق کیفری کودکان و نوجوانان، چاپ اول، (تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۳).

یوسفی، ایمان. آیین دادرسی کیفری، چاپ دوم، (تهران، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۵).

مقالات و سایر منابع:

بابک، پورقهرمانی، ایرج، نگهدار. «ارزیابی رویکرد قضات به اعمال نهادهای ارفاقی جدید (مطالعه موردی محاکم کیفری استان کردستان)»، نشریه مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی، ۱۱(۱۳۹۷): ۲۲۵-۲۵۵.

بارانی، محمد. «پلیس و میانجی گری کیفری (مورد مطالعه: کلانتری های تهران)»، نشریه پژوهش های دانش انتظامی، ۷۶ (۱۳۹۶): ۱۲۱-۱۴۶.

باقریپور، یوسف علی، «تضمینات قانونی و اساسی در دادرسی و تحقیقات مقدماتی (مطالعه تطبیقی حقوق ایران و فرانسه)»، فصلنامه بصیرت، ۴۳(۱۳۸۴): ۹۴-۱۲۵.

جعفریان، هادی، رئیسی، حجت. «بررسی نقش فرایند عدالت ترمیمی در پیشگیری از جرم و کاهش آثار مربوطه»، نشریه دانش انتظامی، چهارم محال و بختیاری، ۲۹(۱۳۹۹): ۹۹-۱۲۰.

حیدری، الهام. «حقوق دفاعی متهم در دوران تحت نظر در قانون آیین دادرسی کیفری و بررسی تطبیقی آن با حقوق انگلستان»، نشریه دیدگاه های حقوق قضایی، ۷۱(۱۳۹۴): ۲۷-۵۲.

حسین زاده، پیمان. «نگاهی اجمالی به حقوق دفاعی متهم»، نشریه دادرسی، ۷۷(۱۳۸۸): ۴۴-۴۵.

ساقیان، محمدمهدی. «تحولات حق متهم برداشتن وکیل در مرحله تحت نظر در حقوق فرانسه و ایران»، مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی، ۱(۱۳۹۳): ۱۰۳-۱۱۸.

سامانه ملی آرای قضائی، وب سایت پژوهشگاه قوه قضائیه، <https://ara.jri.ac.ir>

صابر، محمود. «معیارها و تضمین های دادرسی عادلانه در مرحله تحقیقات مقدماتی» پژوهش های حقوق تطبیقی، دوره ۱۳، ۴(۱۳۸۸): ۱۴۳-۱۷۵.

علی اکبری، رستم؛ اسماعیلی، سیاوش؛ امینی اسدآبادی، حسین؛ حسینی نژاد، بهروز. «مبانی، اصول و برنامه های پلیس ترمیمی

(میانجیگری پلیسی)»، نشریه پژوهش های حقوقی قانون بار، دوره ۳، ۹(۱۳۹۹): ۴۵-۶۳.

قبادی بیگوند، بهاره. «بررسی جلوه های عدالت ترمیمی در حقوق کیفری شکلی»، نشریه مطالعات حقوق، شماره ۳۱ (۱۳۹۸): ۱۱۳-۱۲۸.

کمالی فرد، ایمان. «نقش و تأثیر تأسیس نهادهای ارفاقی در جهت کاهش آمار مجازات زندان»، هفتمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم انسانی، مدیریت و کارآفرینی ایران، تهران، (۱۳۹۹).

گلدوست جویباری، رجب؛ میرکمالی، علیرضا؛ قبلی، ژاله. «نوآوری های آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در باره حقوق دفاعی متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی»، نشریه دانش و پژوهش حقوقی، ۷ (۱۳۹۷): ۷۷-۱۰۰.

میرنقی زاده، میرحیدر؛ صفری، اکبر. «مقایسه عدالت کلاسیک با عدالت ترمیمی»، فصلنامه علمی-حقوقی قانون یار، شماره ۲ (۱۳۹۶): ۱۹۹-۲۲۰.

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۴/۵۴۹ مورخ ۱۳۹۴/۰۳/۰۲، وب سایت اداره کل حقوقی قوه قضائیه، (۱۳۹۴).

وروایی، اکبر و نجاری، محمد. «عوامل و انگیزه فرار متهمین از دست مأمورین و راه های پیشگیری از آن»، نشریه پژوهش های مدیریت انتظامی (مطالعات مدیریت انتظامی)، دوره ۳، ۴ (۱۳۸۷): ۴۸۹-۵۰۲.

From the standpoint of defense rights and the impact on social institutions aligned with restorative justice, the implications arising from the absence of the accused in criminal proceedings

Abstract

In the course of criminal proceedings, both in the private and public realms of the offense, the individual facing charges assumes a pivotal role as the accused. It is imperative to not only acknowledge their culpability for violating the law but also uphold their rights to a fair defense. To uncover the truth, safeguard lost rights, and establish acquittal or delinquency, it is crucial for the accused to appear before the judicial authority. Among the primary concerns pertaining to defense rights, as outlined in Article 5 of the Criminal Procedure Law ratified in 2012, is the examination of the accused's statements and justifications. Failure to reach the accused following the commission of the crime will result in procedural loopholes, impeding a fair trial and complicating the pursuit of truth due to hesitancy in disclosing information. This may potentially lead to prolonged hearings, as highlighted in the judicial reform document's list of challenges, and result in the violation of the victim's rights, deprivation of the accused's rights, and the negation of the application of legal institutions and the principles of restorative justice. Fear or intimidation regarding the trial process, limited awareness of defense rights, doubts regarding the impartiality of judges, additional detentions, and arbitrary conduct by law enforcement officers during arrest and surveillance are among the significant factors contributing to the difficulty in accessing the accused. This article has been meticulously crafted using the descriptive analytical approach, incorporating an examination of pertinent legal sources, specialized publications, and criminal legislation of Iran. The primary objective is to delve into the existing legal void and explore the underlying factors contributing to the absence of the accused during investigations and legal proceedings. Moreover, this study endeavors to propose practical solutions for effective implementation.

Keywords: accused, defensive rights, restorative justice, criminal proceedings, victim